

## طرح ساختار نظام سیاستگذاری علمی - پژوهشی

دکتر محمدامین قانع‌راد

عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات علمی کشور

ادامه از شماره قبل

### در مورد سیاست‌گذاری علمی دو شرط تمرکز و عدم تمرکز را چگونه می‌توان با همدیگر پیوند داد؟

اکنون با توجه به این سه شیوه سیاست‌سازی، ساختارهای ممکن را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و از ابتدا بر این نکته تأکید می‌گردد که با توجه به صراحت متن ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه، کدام شیوه دارای توجیه قانونی بوده و با دیدگاه این مطالعه نیز سازگاری دارد.

#### ۱- ساختار نظام سیاست‌گذاری علمی بر اساس سیاست‌سازی در شوراهای وابسته به شورایی عالی

نمونه‌ای از سازوکارها یا ساختار سازمانی برای سیاست‌گذاری علمی در نمودار زیر بیان شده است:

براساس این نمودار «سیاست علمی» در شوراهای آموزشی، پژوهشی و فناوری وابسته به شورایی عالی علوم، تحقیقات و فناوری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و نتایج این بررسی‌ها جهت تصویب به شورایی عالی علوم پیشنهاد می‌گردد. این ساختار را می‌توان دارای نقاط ضعف زیر دانست:

۱- کار بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی که براساس برنامه سوم توسعه از وظایف وزارت علوم می‌باشد، عملاً به شورایی عالی علوم و شوراهای وابسته به آن سپرده می‌شود و این امر هر چند از یک دیدگاه تقویت شورایی عالی علوم می‌باشد ولی از طرف دیگر به تضعیف وزارت علوم به عنوان متولی اصلی سیاست‌سازی برای توسعه علمی خواهد انجامید. به عبارت دیگر براساس نمودار ۱-

تدوین و پیشنهاد سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های ذیربط، به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری محول شده است و لزوماً این سیاست‌ها و اولویت‌ها می‌بایست در یک نهاد سیاست‌گذار مثل «شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری» مورد تصویب قرار گیرد. برای تحقق این وظیفه چه سازوکارهای سازمانی وجود دارد؟

ساختار نظام سیاست علمی کشور را می‌توان بر اساس سه مفروض دیگر طراحی کرد:

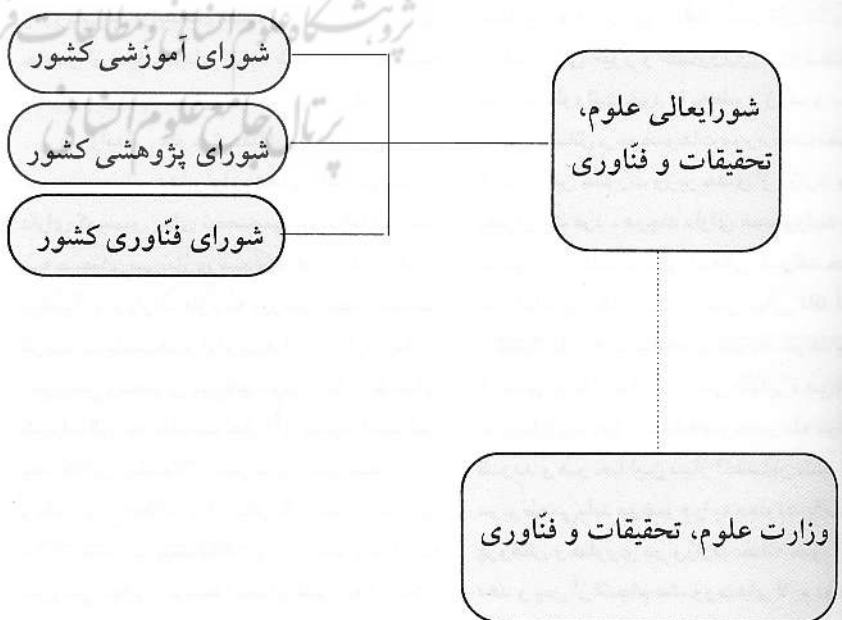
- ۱- سیاست‌سازی در شوراهای وابسته به شورایی عالی علوم، تحقیقات و فناوری
- ۲- سیاست‌سازی در دبیرخانه شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری
- ۳- سیاست‌سازی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

برنامه سوم توسعه در سازماندهی حوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری به «تمرکز غیرمتمرکز» توجه دارد و همین رویه را می‌توان در خصوص سیاست‌گذاری علمی نیز تسری داد. فرایند طراحی و تدوین سیاست علمی از این حیث که باید دارای انسجام و سازگاری درونی باشد مستلزم تمرکز است و از این لحاظ که می‌بایست الزام سازگاری بیرونی را برآورده نماید، فرایندی غیرمتمرکز است.

در مورد سیاست‌گذاری علمی دو شرط تمرکز و عدم تمرکز را چگونه می‌توان با همدیگر پیوند داد؟ برای پاسخگویی به این سوال شیوه‌های مختلف طراحی ساختار برای سیاست‌گذاری علمی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

در برنامه سوم توسعه وظیفه بررسی،

نمودار ۱: ساختار نظام سیاست‌گذاری علمی بر اساس سیاست‌سازی در شوراهای وابسته به شورایی عالی



شوراهای وابسته به شورای عالی علوم، سیاست‌سازی نموده و شورای عالی علوم از طریق تصویب پیشنهادهای سیاست‌گذاری می‌کند و در این میان نقش وزارت علوم بسیار کم‌رنگ خواهد بود و تنها به عضویت بعضی از اعضای هیات علمی وزارت در شوراهای محدود خواهد شد.

۲- شوراهای وابسته به شورای عالی علوم در صورتیکه متشکل از تعدادی صاحب‌نظر و متخصص در زمینه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی و فناوری باشند نمی‌توانند ارتباط همه جانبه‌ای با بخش‌های مختلف اقتصادی، گروه‌های ذینفع، صنایع و سازمان‌های اجرایی، اقتصادی دولتی و غیردولتی برقرار کنند زیرا برقراری این ارتباط مستلزم ساز و کارهای نهادی، پژوهشی و جلسات متعدد کارشناسی می‌باشد و به عبارت دیگر وظیفه‌ای تمام وقت است. برطبق روال جاری، اکثر شوراهای کشور به طور مقطعی جلساتی را تشکیل می‌دهند و در مورد مسائلی خاص تصمیم‌گیری می‌کنند و اعضای اصلی آن، کارکنان یا کارگزاران تمام وقت شورا محسوب نمی‌شوند. این شوراهای در صورتیکه بخواهند ساز و کارهای سازمانی لازم برای ارتباط همه جانبه با دانشگاه‌ها، صنایع، گروه‌های مختلف ذینفع را ایجاد کنند از حالت یک شورا خارج شده و به یک سازمان عریض و طویل و هم‌عرض تبدیل خواهند شد.

بنابراین شوراهای وابسته به شورای عالی علوم نمی‌توانند به طور جزئی و مفصل در بررسی و تدوین سیاست‌ها نقشی ایفا کنند و می‌بایست اصل را بر اعتماد شورای عالی علوم به وزارت علوم گذاشت. شورای عالی می‌بایست مطمئن باشد که وزارت علوم، جریان کاری مناسب و شایسته‌ای را در طراحی سیاست‌های علمی طی کرده است و براساس اعتماد به ظرفیت کارشناسی، توانایی علمی و رویه‌های قابل دفاع در وزارتخانه، در مورد پیشنهادات واصله اظهار نظر کند و حداکثر اینکه قبل از طرح این پیشنهادات در جلسات شورای عالی آنها را در شوراهای وابسته به خود از لحاظ رعایت رویه‌های صوری و محتوایی مناسب برای

سیاست‌سازی مورد بحث و بررسی نهایی قرار دهد.

به عبارت دیگر این شوراهای باید پیشنهادات واصله از وزارت علوم را با معیارهایی همچون سازگاری با برنامه‌های توسعه کشور، ارتباط با امنیت ملی، سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌های تصویب شده در زمینه‌های علمی، پژوهشی و آموزشی مورد بررسی قرار دهند و نتیجه را در اختیار شورای عالی علوم قرار دهد. نقش این شوراهای می‌تواند ارزیابی فرایندهای سیاست‌سازی در وزارت علوم، و ارزیابی نتایج حاصل از کاربرد سیاست‌ها در حوزه‌های متفاوت باشد. در اینصورت شورای عالی هم به وزارت علوم اعتماد کرده است و هم حق خود برای نظارت و ارزیابی را محفوظ داشته است. به جای اینکه شوراهای وابسته به شورای عالی، وظایف مربوط به وزارت علوم را در بررسی و تدوین و پیشنهاد سیاست‌های علمی انجام دهند و نظام علمی کشور را دچار پراکندگی و دوباره کاری و ساختارهای در عرض همدیگر نمایند، می‌توانند بعنوان نهادهایی برای اعمال نظارت و ارزیابی شورای عالی علوم بکار گرفته شوند. به عبارت دیگر شوراهای وابسته به شورای عالی علوم باید کاری را به عهده گیرند که در حوزه وظایف شورای عالی - یعنی سیاست‌گذاری علمی و نظارت و ارزیابی بر فرایندهای سیاست‌سازی و بر نتایج حاصل از سیاست‌های اتخاذ شده - قرار داشته باشد و با وظایف وزارت تداخل ایجاد نکند.

شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری برای تصویب سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی نباید دارای کمیسیون‌های تخصصی باشد، اما این امر به معنای بی‌نیازی سیاست‌ها و اولویت‌های پیشنهادی وزارت علوم به بررسی مجدد نیست. گرچه سیاست‌ها و اولویت‌ها در وزارت علوم بررسی و تدوین می‌شود ولی شاید اعضای شورای عالی، به مناسبت حق رأی خود، احساس کنند که این پیشنهادات نیاز به بررسی مجدد دارد و باید مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. بنابراین قبل از تصویب پیشنهادات وزارت علوم نیاز به «بررسی نهایی» توسط اعضای شورای عالی انکار نمی‌شود ولی به نظر ما و به دلایل زیر این بررسی

نباید توسط کمیسیون‌های تخصصی شورای عالی صورت گیرد:

۱- وزارت علوم برای بررسی و تدوین پیشنهادات خود به ناچار و در سطوح مختلف - هر چند نه به طور انحصاری - شوراهای کمیسیون‌هایی را بکار می‌گیرد. طراحی دو مجموعه از شوراهای کمیسیون‌ها به ایجاد دو مجموعه موازی در کنار یکدیگر برای «بررسی» در وزارت علوم و «بررسی نهایی» در شورای عالی علوم می‌انجامد و فرایندهای دیوانسالاری را گسترش خواهد داد.

۲- با توجه به اینکه وزیر علوم بطور طبیعی در انتصاب یا معرفی صاحب‌نظران، اعضای هیات علمی و متخصص این دو مجموعه از شوراهای نقش خواهد داشت، قابل پیش‌بینی است که بررسی نهایی یک بررسی متفاوت و چالش برانگیز نخواهد بود و دیدگاه‌های اعضای کمیسیون‌های بررسی یا کمیسیون‌های بررسی نهایی تفاوت محتوایی چندانی نخواهد داشت و این امر می‌تواند به افت کیفی سیاست‌ها و راهبردها بینجامد.

۳- در صورتی که کمیسیون‌ها و شوراهای تخصصی شورای عالی علوم نیاز به «بررسی نهایی» را برآورده سازند، وزرای وزارتخانه‌های درگیر در مسایل علوم، پژوهش و فناوری از قبیل صنایع، دفاع، انرژی و نفت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، نیرو و کشاورزی، وزارتخانه‌های تحت مسئولیت خود را به طور ژرف و بنیادی درگیر مسائل و موضوعات مورد بحث نخواهند کرد. در این صورت وزیر جدای از وزارتخانه و بعنوان یک فرد - هرچند دارای مسئولیت بالای دولتی - در جلسات شورای عالی شرکت خواهد کرد اما شورای عالی در بررسی نهایی فاقد ارتباط ارگانیک با وزارتخانه‌های ذیربط خواهد بود.

۴- بنابراین نیاز به «بررسی نهایی» می‌بایست توسط همه «وزارتخانه‌های ذیربط» برآورده گردد و هر جا این نیاز احساس شد، وزیر مربوطه می‌باید موضوع را به معاونت یا سازمان پژوهش و فناوری در وزارتخانه خود ارجاع دهد و پس از انجام مشورت‌های لازم در درون وزارتخانه، نظر نهایی خود را در شورای عالی

کنند.

عـرطـرح اـرتـبـاط دـانـشـگـاه و صـنـعـت بـرای تـوسـعـه جـنبـه‌هـای کـار بـر دـی در دـانـشـگـاه‌هـا و گـسـتـر شـ علم و پـژوهـش در امـور تـولـید و فـن آوری، بـا مـشـکـلات مـتـعـد دـی مـواجـه شـد و در مـجمـوع طـرح مـوفـق و مـؤثـر نـبـود. یـکـی از مـشـکـلات اصـلی اـین طـرح نـاتـوانـی دـفـاتـر اـرتـبـاط بـا صـنـعـت دـانـشـگـاه‌هـا در شـنـاسـایی نـیـازها و کـمـبـود هـای بـخـش صـنـعـت و مـعـرفـی آن بـه دـانـشـگـاه‌هـا بـود. چـرا اـین دـفـاتـر در عـمـل چـنـدان مـوفـق نـبـودنـد و طـرح اـرتـبـاط صـنـعـت و دـانـشـگـاه بـه نـتـیـجه مـور د نظـر نـرسـید؟ یـکـی از دـلـایل اـین نـاکـامـی فـقـدان سـاخـتار اـرتـبـاطی در بـخـش صـنـعـت بـود، یـعـنـی دـفـاتـر اـرتـبـاط بـا صـنـعـت در دـانـشـگـاه‌هـا تـشـکـیل گـرـدـید و لی سـاخـتار مـتـناظـر آن در صـنـعـت مـوجـود نـبـود و اـسـاساً در بـخـش صـنـعـتی انـگـیزه چـنـدانـی بـرای اـیـجاد سـاخـتار و بـر قـرار ی اـرتـبـاط بـا دـانـشـگـاه‌هـا و جـود نـداشـت و بـنـابـرایـن بـه مـصـداق «تـا کـه از جـانـب مـعـشـوق نـبـاشـد کـشـشـی - کـوشـش عـاشـق بـیـچاره بـه جـایی نـرسـد» تـلاش دـفـاتـر دـانـشـگـاهی بـرای اـرتـبـاط بـا صـنـعـت نـامـوفـق از کـار در آـمـد. بـا اـین پـیش زـمـینه، و زـارت علمـو، تـحـقیـقات و فـنـاور ی مـی بـایـد از مـشـارکـت و زـارت خـانه‌هـا در بـر بـر سـی و تـدوین پـیشـنـهـاد ات خـود بـرای سـیـاسـت‌گـذاری و تـعـیـین اولـویـت‌هـای رـاه‌بـرد ی در حـوزـه‌هـای پـژوهـش و فـنـاور ی و از هـم‌کـاری آن‌ها در « بـر ر سـی نـهـایی » اسـتـقبـال کـنـد و اـسـاساً یـکـی از پـیشـنـهـاد ات اـین و زـارت بـایـد تـشـکـیل و تـقـویـت دـفـاتـر، سـازمان یا مـعـاونـت مـسـئـول سـیـاسـت و اولـویـت‌هـای فـن آوری و پـژوهـشی در سـایـر و زـارت‌خـانه بـاشـد.

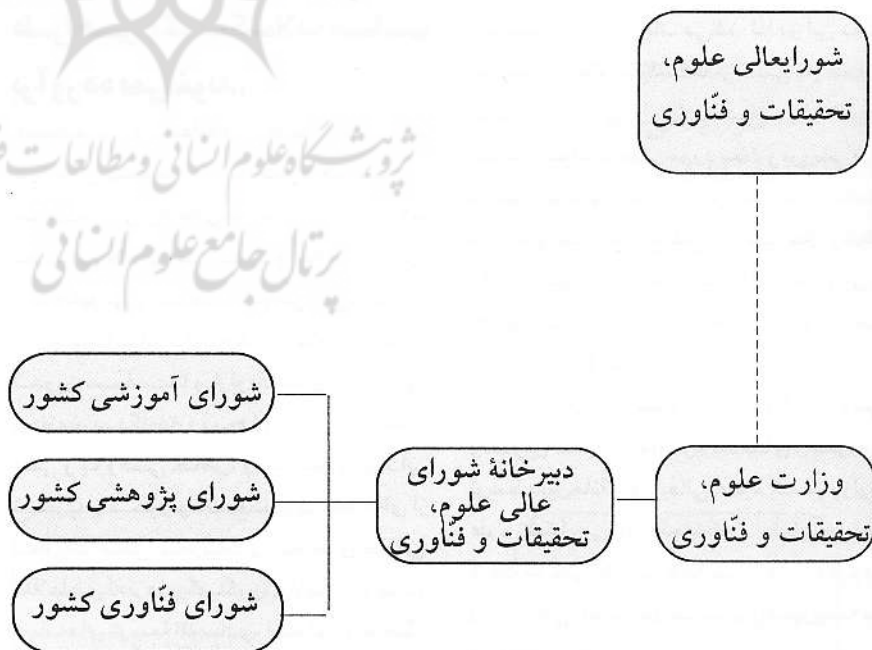
۲- سـاخـتار نـظام سـیـاسـت‌گـذاری علمـی بـر اـسـاس سـیـاسـت‌سـازی در د بـیـر خـانه شـورایـعـالی  
دو مـیـن سـاخـتار کـه در اـیـنجا مـور د نـقد و بـر ر سـی قـرار مـی‌گـیر د سـاخـتار بـرای نـمـودار - ۲ مـی بـاشـد:  
مزیت اـین سـاخـتار آن اسـت کـه بـر ر سـی و تـدوین سـیـاسـت‌هـا را از وظایف و زـارت علمـو، تـحـقیـقات و فـنـاور ی بـعـتـوان د بـیـر خـانه شـورای عـالی علمـو، تـحـقیـقات و فـنـاور ی قـلـمـداد کـر د اسـت و تـدوین سـیـاسـت‌هـای علمـی را از شـورایـعـالی

پیشنهادهات وزارت علوم به گونه‌ای مثبت ارزیابی خواهد شد.

۵- ارجاع بررسی‌های نهایی موردی، از طرف وزیران عضو شورای عالی به وزارتخانه‌های خودشان، ضرورت ایجاد سازمان یا معاونت مسئول پژوهش و فناوری در این وزارتخانه‌ها و، در صورت موجود بودن، تقویت آنها برای پاسخگویی به نیازهای کشور برای توسعه پژوهش و فناوری را برآورده می‌سازد.

گسترش ارتباط و رفت و برگشت‌های کاری بین معاونت‌ها یا نهادهای مسئول تحقیقات و فناوری در سایر وزارتخانه‌ها، با بخش یا سازمان مسئول بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌ها در وزارت علوم، هم به نفع وزارت علوم و هم به نفع سایر وزارتخانه‌ها است. زیرا از یک طرف کیفیت سیاست‌های پیشنهادی را افزایش می‌دهد و وزارت علوم در انجام وظیفه فرابخشی خود از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد بود و از طرف دیگر وزارتخانه‌های دیگر می‌توانند از لحاظ شدن نیازها، مسائل و دیدگاه‌های خود در پیشنهادات وزارت علوم اطمینان بیشتری حاصل

نمودار ۲: ساختار نظام سیاست‌گذاری علمی بر اساس سیاست‌سازی در دبیرخانه شورای عالی



اعلام نماید. این امر همه وزارت خانه‌ها را بطور واقعی درگیر بررسی نهایی خواهد کرد.

آیا درگیری همه وزارت خانه‌ها در «بررسی نهایی» برای وزارت علوم در دسر ایجاد نخواهد کرد؟ بعبارت دیگر آیا فعال سازی و برانگیختن همه نهادهای درگیر، از قدرت وزارت علوم نخواهد کاست و پیشبرد سیاست‌های مورد نظر وزارت علوم را با مانع مواجه نخواهد کرد؟ پاسخ این سوال هم آری و هم نه است. اگر سازمان مسئول بررسی اولیه در وزارت علوم در فرایند بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌ها فاقد ارتباطات لازم با وزارتخانه‌ها و مراکز ذیربط باشد و مشارکت نهادها و مراکز مسئول در سایر وزارتخانه‌ها را برای بررسی اولیه برنیزد، در هنگام «بررسی نهایی» پیشنهادات وزارت علوم در وزارتخانه‌های دیگر، احتمال زیادی دارد که این پیشنهادات، به عنوان سیاست‌ها و اولویت‌های نسنجیده، و همراه با غفلت از جوانب مختلف و فاقد واقع‌بینی لازم ارزیابی گردد؛ ولی در صورت مشارکت همه نهادهای ذیربط در فرایند تصمیم‌سازی،

منتزح و به دبیرخانه آن محول کرده است. ولی کاستی آن در این است که مساله پاره وقت بودن فعالیت اعضای شوراهای و گستردگی وظایف مربوط به «سیاست سازی» را حل نشده باقی می‌گذارد.

در صورتیکه وظیفه «بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» را بعنوان یک وظیفه کلی به عناصر ساختاری آن تجزیه و تحلیل کنیم از طریق این تجزیه و تحلیل ساختار کار (Work Break Down Structure) به مجموعه‌ای از خرده وظایف زیر دست پیدا می‌کنیم:

- بررسی مزیت‌های نسبی کشور در زمینه‌های علوم، تحقیقات و فناوری
- بررسی نیازهای بخش‌های مختلف آموزشی، اقتصادی، صنعتی و پژوهشی
- انجام مجموعه‌ای از نظر سنجی‌ها در مورد سیاست‌ها و اولویت‌های پیشنهادی
- ارتباط نزدیک و جلسات مشورتی با دست‌اندرکاران امور اجتماعی، اقتصادی و صنعتی کشور

- بررسی‌هایی در زمینه سیاست‌های توسعه آموزش در سطوح مختلف
- آشنایی با فرایندها و نظام‌های سیاست‌گذاری علمی کشورهای جهان
- ارتباط با گروه‌های مختلف مردم و اقشار ذینفع
- بررسی ابعاد اقتصادی سیاست‌های علمی و تاثیر آن‌ها بر مساله اشتغال و تولید
- بررسی سازگاری سیاست علمی با سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- تبیین و تدوین راهبردهای نوین برای علوم و تکنولوژی

بررسی خرده وظایف وابسته به سیاست‌سازی علمی بعنوان وظیفه اصلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نشان می‌دهد که این وظایف تنها از طریق روندها و فرایندهای مختلف و تمام وقت کارشناسی، پژوهشی، مشورتی قابل انجام بوده و تحقق آن مستلزم سازوکارها و ترتیبات سازمانی و ساختاری متعددی است و بدون طراحی یک تشکیلات مناسب برآورده نمی‌شوند.

در صورتیکه سیاست‌گذاری علمی و مقدمه ضروری آن یعنی «بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» بعنوان وظیفه‌ای جدی تلقی می‌شود، می‌بایست تخصص‌ها و دیدگاه‌های علمی متعددی در حوزه‌های مدیریت علم، اقتصاد آموزش و پژوهش، جامعه‌شناسی علم و فناوری، مدیریت و جامعه‌شناسی آموزش، مدیریت آموزش عالی، مدیریت پژوهشی، مردم‌شناسی فرهنگی علم، علوم سیاسی و

## بررسی خرده وظایف وابسته به سیاست‌سازی علمی بعنوان وظیفه اصلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نشان می‌دهد که این وظایف تنها از طریق روندها و فرایندهای مختلف و تمام وقت کارشناسی، پژوهشی، مشورتی قابل انجام بوده و تحقق آن مستلزم سازوکارها و ترتیبات سازمانی و ساختاری متعددی است و بدون طراحی یک تشکیلات مناسب برآورده نمی‌شوند.

اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند و این رسالت به گونه‌ای تخصصی انجام شود. هر چند که سیاست‌گذاری وظیفه‌ای سیاسی است و لزوماً به تخصصی خاصی نیاز ندارد و بیشتر مستلزم درک مفهومی و شناخت منافع ملی می‌باشد ولی این مهم را نباید نادیده گرفت که «بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» نیازمند دیدگاه‌ها، رویه‌ها و فنون تخصصی علمی و پژوهشی خاص، و سرانجام توانایی تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی مجموعه‌ای از نظریات علمی، تجربیات و سنت‌های جهانی، اطلاعات و آمارهای گوناگون، نیازهای موجود و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، می‌باشد.

بنابراین شوراهای وابسته به دبیرخانه

شورای عالی علوم در صورتی که متشکل از ۲۰-۱۰ نفر از متخصصین و دانشمندان در زمینه‌های مختلف علمی، پژوهشی و فناوری نیز باشند، نخواهند توانست وظیفه گسترده و پیچیده سیاست‌سازی علمی را به گونه‌ای علمی، نظام‌دار و برنامه‌ریزی شده به انجام برسانند و تشکیل کمیته‌ها یا کمیسیون‌های تخصصی نیز که به حوزه‌های خاص علوم و فناوری مربوط می‌باشند نمی‌توانند ظرفیت کارشناسی، تخصصی و پژوهشی لازم را برای تصمیم‌گیری نهایی فراهم سازند.

۳- ساختار نظام سیاست‌گذاری علمی بر اساس سیاست‌سازی در وزارت

متن ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه بر «بررسی، تدوین و پیشنهاد سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» به وسیله وزارت علوم تصریح دارد. به عبارت دیگر وظیفه وزارت علوم، ساختن سیاست‌های لازم برای ارائه به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد. به دلایل مختلف که در این گزارش برخی از آنها بازگو شده‌اند، گمان می‌رود که وظایف فرابخشی و فرادستگاهی وزارت علوم تشکیل سازمان سیاست علمی را ایجاب می‌کند. لذا در این بخش ساختار نظام سیاست‌گذار علمی بر اساس سیاست‌سازی در وزارت علوم و از طریق سازمان سیاست علمی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. پیشنهادات دیگر این است که ریاست سازمان سیاست علمی در عین حال وظیفه دبیرکلی شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری را به عهده گیرد و دبیرخانه شورای عالی در این سازمان تشکیل گردد.

این پیشنهاد وجود دارد که کار «بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» توسط دبیرخانه شورای عالی علوم که در وزارت علوم تشکیل می‌شود انجام گیرد اما باید در نظر گرفت که حتی اگر دبیرخانه شورای عالی علوم در وزارت علوم نیز تشکیل گردد باز دبیرخانه به شورای عالی وابسته است و از ضمایم ساختاری و سازمانی آن محسوب می‌شود که به منظور اهمیت‌گذاردن بر نقش وزارت علوم در این

## دبیرخانه شورای عالی باید تنها عهده‌دار مجموعه‌ای از وظایف همچون دریافت پیشنهادهای از وزارت علوم، طرح آنها در شورای عالی، انعکاس تصمیمات مأخوذه به نهادها و مراکز مرتبط و پی‌گیری نتایج حاصل از اجرای تصمیمات و سیاست‌های ابلاغ شده و ارزشیابی و نظارت بر نحوه اجرای سیاست‌ها و دریافت بازخوردهای گوناگون از کارآیی و اثر بخشی سیاست‌ها باشد.

وزارت تشکیل می‌شود. قانون‌گذار در برنامه سوم توسعه وظیفه سیاست‌سازی را مستقیماً به

عهده وزارت علوم نهاده و لذا منظور او این نبوده است که دبیرخانه شورای عالی این وظیفه را انجام دهد. دبیرخانه شورای عالی باید تنها عهده‌دار مجموعه‌ای از وظایف همچون دریافت پیشنهادهای از وزارت علوم، طرح آنها در شورای عالی، انعکاس تصمیمات مأخوذه به نهادها و مراکز مرتبط و پی‌گیری نتایج حاصل از اجرای تصمیمات و سیاست‌های ابلاغ شده و ارزشیابی و نظارت بر نحوه اجرای سیاست‌ها و دریافت بازخوردهای گوناگون از کارآیی و اثر بخشی سیاست‌ها باشد. دبیرکل یا دبیر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری یک پست و سمت فرابخشی می‌باشد که با نقش بخشی ریاست سازمان سیاست علمی تفاوت دارد ولی در عین حال رییس سازمان نقش دبیرکل را نیز ایفا می‌کند و مصوبات شورای عالی را با امضای دبیرکل شورای عالی علوم به وزارت خانه‌ها، نهادها و مراکز و بخش‌های ذیربط ابلاغ می‌کند و برحسب ضرورت پی‌گیری‌های آتی را انجام می‌دهد. بنابراین وزیر علوم بعنوان وزیر

علوم از طریق ساختار سازمانی مناسب «سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی» را در خود وزارت علوم بررسی و تدوین می‌کند و در صورت تصویب شورای عالی علوم، نتایج را از طریق دبیرخانه شورای عالی علوم و با امضای دبیرکل به همه وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و مراکز مرتبط در نظام علم، تحقیق و فناوری ارسال می‌نماید.

با توجه به انتقاداتی که از دو ساختار قبلی به عمل آمد در اینجا ساختار سازمانی دیگری برای انجام وظیفه سیاست‌سازی علمی پیشنهاد می‌گردد.

ساختار فوق دارای مزیت‌های زیر می‌باشد:  
- وظیفه تدوین سیاست علمی در قلمروی وزارت و توسط یک سازمان وابسته به وزارت علوم انجام می‌پذیرد.

- هرچند انجام وظایفی چون برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی، و حمایت و پشتیبانی در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی را می‌توان به معاونت‌های وزارتخانه، و اگذار کرد ولی تدوین سیاست علمی به دلیل جامعیت و شمول آن بر بخش‌های گوناگون علمی، آموزشی، پژوهشی و فناوری در بالاترین سطح و مستقیماً زیر نظر وزیر صورت می‌گیرد.

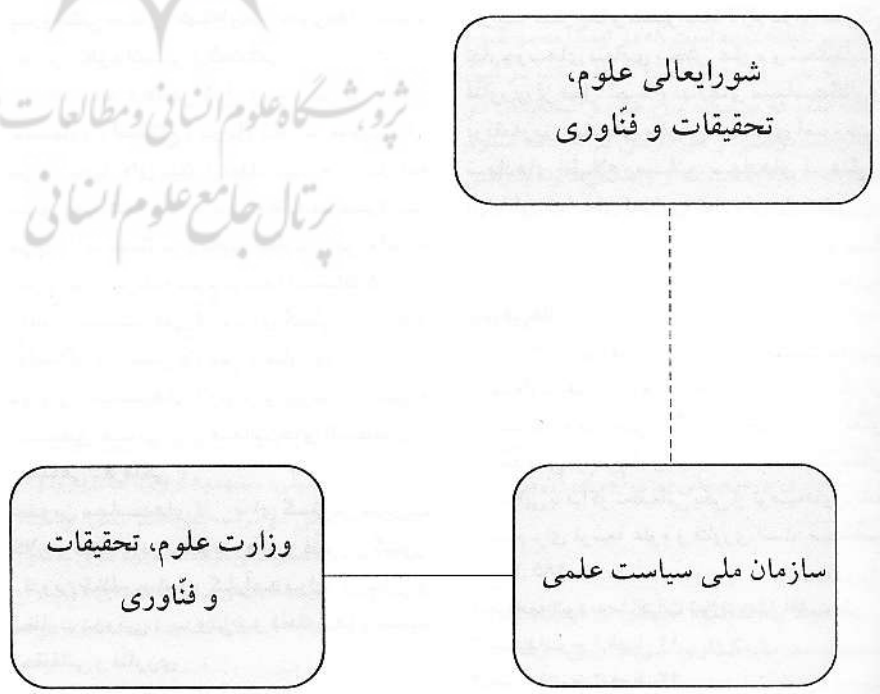
- در این ساختار به سیاست علمی به عنوان یک کلیت توجه شده است و انتظار می‌رود این سازمان مجموعه‌ای منسجم و سازگار از سیاست‌های آموزشی، پژوهشی، علمی و فناوری را تدوین و ارائه کند. به عبارت دیگر سیاست علمی به مولاتی گسسته تجزیه نشده و بررسی و تدوین آنها به مراکز و سازمان‌های مختلف محول نشده است تا شرط سازگاری درونی سیاست‌ها تحقق پذیرد.

- عنوان «سازمان ملی» بیانگر گستردگی و شمول مسأله سیاست‌های علمی و لزوم مشارکت همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و جوامع و انجمن‌های مدنی و صنفی و گروه‌ها و اقشار مختلف مردم در تدوین سیاست علمی می‌باشد.

- سازمان ملی دو شرط تمرکز و عدم تمرکز (تمرکز غیرمتمرکز) را برآورده می‌کند زیرا از یک سو به دلیل وابستگی به وزارتخانه، سازمانی متمرکز است و از سوی دیگر به دلیل لزوم برآورده کردن اقتضائات یک سازمان ملی می‌بایست خصلتی غیرمتمرکز داشته باشد. در این خصوص لزوم پیش‌بینی ساختارهای

نمودار ۳: ساختار نظام سیاست‌گذاری علمی بر اساس سیاست‌سازی در وزارت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



منطقه‌ای برای سازمان مزبور ضروری می‌باشد. یک ساختار، به صورت سازمان ولی زیر نظر وزارت علوم، دو مسأله پاسخگو بودن وزارتخانه و امکان مانور و استقلال نسبی در عملکرد را تحقق می‌بخشد.

اهداف اصلی «سازمان ملی تدوین سیاست علمی» مشابه اهداف وزارت علوم بوده و عبارتند از:

- توسعه علوم، تحقیقات و فناوری، گسترش مرزهای دانش و اعتلای موقعیت علمی و فنی کشور برای تحکیم خوداتکایی، استقلال ملی و تحقق التزام اجتماعی

- ارتقاء فرهنگ علم، ترویج تفکر نقاد و خلاق و نشر علوم در سطح ملی

- ارتقاء دانش و مهارت‌های فنی و همگانی کردن آن در سطح کشور

- تعیین و گسترش علوم، معارف و ارزشهای انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و زیباییشناسی

- تولید اطلاعات علمی و فنی

- گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های علمی، فرهنگی و فناوری

- صیانت از استقلال و آزادی علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی

- مشارکت موثر در فرایند توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به اهداف فوق، بخشی از وظایف این سازمان عبارت خواهند بود از:

- پیشنهاد سیاست‌های کلان و آینده‌نگر ملی برای توسعه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری

- پیشنهاد سیاست‌های تامین‌کننده توسعه تحقیقات کاربردی، نیمه صنعتی، افزایش کارایی و اثر بخشی تحقیقات و وارد کردن آن در چرخه تولید، امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

- پیشنهاد و تدوین سیاست‌ها و مقررات ناظر بر توسعه و تقویت فناوری ملی و حمایت از توسعه فناوری‌های بومی

- ارایه سیاست‌هایی جهت تقویت و توسعه فرهنگ علمی و ایجاد همسویی میان کارکردها و فعالیت‌های فرهنگی و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و ترویج فرهنگ علمی در سطح جامعه

- سیاست‌سازی برای ساماندهی ابعاد فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، تحقیقات، فناوری و آینده‌پژوهی در زمینه‌های مرتبط

- ارایه سیاست‌ها و مقررات لازم برای بهبود

مدیریت و افزایش بهره‌وری در فرایندهای آموزش، پژوهش و فناوری

- مطالعه برای شناسایی مزیت‌های نسبی کشور، قابلیت‌های فناوری و استعدادها و ویژه ملی

- سیاست‌سازی برای تقویت زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، علمی و رفاهی حفظ دانشمندان، محققان و سرمایه‌های انسانی

- سیاست‌سازی برای حمایت از استعدادهای درخشان و برون تفکر نقاد، خلاقیت و نوآوری

- پیشنهاد سیاست‌های ضروری برای ایجاد زمینه‌های عرضه و تقاضای فناوری در داخل کشور و مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های تحقیقاتی و فناوری

- تدوین ضوابط و مقررات برای صدور مجوز تاسیس و انحلال دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی، موسسات تحقیقاتی و انجمن‌های علمی، شرکت‌های خدماتی - تحقیقاتی و...

- تعیین سیاست‌های نظارت و ارزیابی برای افزایش کارایی، اثربخشی و بهره‌وری در نظام علم، تحقیقات و فناوری

- تدوین سیاست‌ها و مقررات حمایت از حقوق مالکیت معنوی

- تعیین ضوابط مربوط به ارزشیابی مدارک آموزش عالی

- انجام مطالعات مستمر در مورد سیاست‌های علمی، تحقیقاتی و فناوری و کمک به فعالیت‌های پژوهشی میان رشته‌ای در حوزه‌های علوم تجربی، علوم انسانی و اجتماعی

علاوه بر وظایفی که از «پیش نویس لایحه پیشنهادی» استنتاج و در بالا ذکر شده، سازمان مزبور به پاره‌ای دیگر از مفاد سند درج در برنامه سوم توسعه به عنوان وظایف خود نیز می‌پردازد. مهمترین وظایف سازمان می‌تواند به شرح زیر از برنامه سوم توسعه استنباط گردد:

- تدوین سیاست‌های لازم برای گسترش رویکرد تقاضاگرا در بخش پژوهش و فناوری

- تدوین سیاست‌های لازم برای پیوند در زنجیره تحقیق، فناوری و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی

- تدوین سیاست‌های لازم برای گسترش مدیریت کلان و ستادی در نظام پژوهش و فناوری کشور

- تدوین نظام جامع و کارآمد برای ارزیابی و نظارت درونی و بیرونی بر فعالیت‌ها و منابع تحقیقاتی و فناوری

- تدوین طرح جامع و کارآمد اطلاع رسانی

- تدوین طرح انسجام فعالیت‌های تحقیقاتی برای تولید دانش و فناوری ملی

- ارایه سیاست‌ها و مقررات لازم برای افزایش انگیزه بخش‌های صنعتی و اقتصادی در سرمایه‌گذاری علمی و پژوهشی

- سیاست‌گذاری برای گسترش فعالیت‌های پژوهشی در راستای نیازهای فوری و آتی توسعه کشور

- سیاست‌گذاری برای کنترل جریان فرار مغزها و نخبگان از کشور

- تدوین طرح تنوع بخشی به نظام‌های عرضه آموزش عالی و تنوع بخشی منابع مالی بخش‌های علمی و پژوهشی

- تدوین طرح استقلال دانشگاه‌ها

- سیاست‌گذاری جهت موثر سازی دانشگاه‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلان علمی

- ارایه طرح تأمین مشارکت فرهنگستان‌ها در تعیین راهبردهای اصلی توسعه علمی

- ارایه طرح‌هایی برای اصلاح سیاست عمومی کردن علم، تحقیقات و فناوری

- ارایه طرح‌هایی برای اصلاح سیاست توسعه علم، تحقیقات و فناوری

- ارایه طرح‌هایی برای اصلاح سیاست به کارگیری نتایج پژوهشی

- ارایه طرح‌هایی برای اصلاح سیاست‌های خاص گسترش منطقه‌ای علوم

- ارایه طرح‌ها و ضوابط لازم برای اصلاح چارچوب‌های نهادی بخش علوم و تحقیقات و فناوری از قبیل: اصلاح نهادهای سیاست‌گذار و برنامه‌ریز، نهادهای حقوقی، نهادهای آموزشی، نهادهای اطلاع رسانی، نهادهای فرهنگی - ارتباطی، نهادهای اجرایی، نهادهای پژوهشی.

## پاورقی‌ها:

- 1- اصلاح نهادهای اجرایی در جهت تقویت معاونت‌های پژوهشی، اصلاح نگرش مدیران نسبت به طراحی، نظارت و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی، و تقویت و توسعه ارتباط دستگاه‌های اجرایی با مراکز تحقیقاتی یکی از توصیه‌های برنامه سوم برای توسعه علوم و فناوری است: مستندات، ج ۱: ۲۶۵.
- ۲- مراجعه شود به مذاکرات شورای ملی امنیت ملی.
- ۳- مستندات ج ۱: فصل ۱۲
- ۴- مستندات ج ۲: فصل ۱۳

## ضرورت ساماندهی پژوهش در بخش خصوصی و غیردولتی

دکتر حسن شریفی

مدیرکل دفتر امور پژوهشی و برنامه‌ریزی

مهندس محمد برنک

عضو هیأت علمی دفتر امور پژوهشی و برنامه‌ریزی

مصطفی خلیلی

رئیس گروه ترویج و توسعه دفتر امور پژوهشی و برنامه‌ریزی

تحقیقاتی بخش خصوصی، شرایط مانند بخش دولتی تنظیم و اعمال می‌شود.

**۲- مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن**  
مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن نیز، مراکزی هستند که با هدف تحقیق و توسعه شکل گرفته و دارای مجوز از وزارت صنایع و معادن می‌باشند و غالباً به صورت بخش خصوصی اداره می‌شوند. هدف و برنامه‌های اصلی تشکیل مراکز فوق به شرح زیر می‌باشند.

### ۲-۱- هدف

هماهنگی و تمرکز فعالیت‌های پژوهشی واحدهای تحقیق و توسعه صنایع و معادن، مراکز آموزش عالی، دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی و سایر ارکان اجرایی و سیاست‌گذاری کشور به منظور نهادینه کردن فرآیند فناوری، تجدید ساختارهای اجرایی و بهینه‌کردن سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های پژوهشی جهت دستیابی به اقتصاد صنعتی دانش‌مدار و توسعه پایدار فناوری.

### ۲-۲- برنامه‌های اصلی:

توسعه علم و پیشرفت فناوری همراه با مسئولیت اجتماعی در قبال توسعه صنعت کشور و نیز کمک به پیشبرد اهداف پژوهشی تک تک اعضای جامعه جزو اصول و اهداف بنیادین جامعه بوده و بر این پایه، برنامه‌های اساسی جامعه عبارتند از:

- گسترش مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن در سطح کشور
- ایجاد ارتباط بین مراکز تحقیق و توسعه با هدف هماهنگ کردن فعالیت‌های پژوهشی واحدهای صنعتی

درصد و ۰/۰۹ درصد اشاره کرد. یعنی سهم بخش غیردولتی از هزینه‌های تحقیقاتی فقط حدود ۲۵ درصد می‌باشد.

به عنوان مثال:

**الف - تعداد کل مراکز تحقیقاتی که دارای موافقت اصولی یا قطعی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند برابر ۱۶۸ مرکز می‌باشد که از این تعداد فقط ۲۱ مرکز به بخش خصوصی و غیردولتی تعلق دارد. یعنی بخش خصوصی کمتر از ۱۳ درصد از کل مراکز تحقیقاتی را شامل می‌شود. توزیع مراکز تحقیقاتی بخش خصوصی بر حسب گروه‌های تخصصی بشرح جدول (۱) می‌باشد. [۱]**

**جدول (۱) - توزیع مراکز تحقیقاتی بخش خصوصی بر حسب گروه‌های تخصصی (دارای مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)**

ردیف	عنوان گروه‌های تخصصی	تعداد
۱	علوم انسانی	۱۳
۲	فنی و مهندسی	۸
۳	کشاورزی	۰
۴	علوم پایه	۰

**ب - با وجود آنکه هنوز باید تمهیدات و امکانات بیشتری برای تحقیقات در همه بخشها اعم از دولتی و غیردولتی بوجود بیاید، بخش غیردولتی از کمبود بیشتری در مقایسه با بخش دولتی رنج می‌برد. به عنوان مثال بخش دولتی از بورس تحصیلی، سهمیه ارزی، مأموریتها و سفرهای علمی می‌تواند بهره‌مند شود و حال آنکه بخش خصوصی از همه موارد فوق تاکنون برخوردار نبوده است و سازوکارهای لازم برای آن که بتواند از آن امکانات بهره‌مند شود فراهم نشده است.**

**ج - برای صدور مجوز فعالیت مراکز**

### چکیده

اصولاً مسئله تحقیقات و پژوهش در همه بخشها، اعم از دولتی و غیردولتی، حائز اهمیت ویژه‌ای است. امروزه اهمیت تحقیقات و پژوهش از ابعاد مختلف مورد دقت بیشتری قرار گرفته است. جهت‌گیری رشد تحقیقات در برنامه سوم توسعه، تغییر نام و در راستای آن تصمیم و برنامه‌ریزی تغییر ساختار وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، برگزاری هفته پژوهش، تجلیل از پژوهشگران نمونه، تلاش برای ارتقاء شاخص‌های عمده پژوهش و برنامه‌هایی از این قبیل، نشانگر توجهی است که به این موضوع می‌شود.

تاکنون به موضوع تحقیقات به صورت عام پرداخته شده است، ولی به جایگاه، موانع و اهمیت آن در بخش غیر دولتی و خصوصی کمتر پرداخته شده است که در اینجا به موضوع فوق به طور ویژه پرداخته خواهد شد. در این مقاله ابتدا به جایگاه پژوهش و تحقیقات در بخش خصوصی و غیردولتی در برنامه سوم توسعه، میثاق مشترک و راهکارهای اجرایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی پرداخته شده است و سپس چگونگی ساماندهی آن مورد بررسی قرار گرفته است. ضمناً به تجارب جهانی نیز در این مورد اشاره شده است.

همچنین در این بررسی موضوع فوق به عنوان یک ضرورت ملی مطرح شده و سپس نسبت به تعیین استراتژی، عمق بخشی، زمینه‌سازی و عزم ملی برای اجرای آن پرداخته شده است.

### ۱- مقدمه

اصولاً با یک نگاه اجمالی از دیدگاه آماری سهم سرمایه‌گذاری می‌توان به وضعیت غیردولتی و خصوصی به ترتیب برابر ۰/۳۷

● کمک به واحدهای تحقیق و توسعه در جهت به روز در آوردن دانش فنی و پژوهشی

● کمک به واحدهای تحقیق و توسعه برای صدور فناوری صنعتی به خارج از کشور

● بررسی و جمع آوری مشکلات و موانع قانونی در گردش امور مراکز تحقیقاتی و تهیه طرح‌ها و لوایح جایگزین جهت بهبود روشها و ارایه آن به مراجع نیصالح

### ۳- تجارب جهانی [۲]

با مطالعه وضعیت تحقیق و تکنولوژی در برخی از کشورهای صنعتی جهان، میتوان گفت که اکثر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به تجاری بودن نتایج تحقیق و تکنولوژی علاقمند هستند. در تعدادی از کشورها، مراکزی خاص این مسئولیت را بر عهده دارند.

به عنوان مثال در کشور انگلستان، دپارتمان تجارت و صنعت، این وظیفه را انجام می‌دهد. عوامل دیگری که موجب مشارکت بخش خصوصی و افزایش رشد تحقیق و تکنولوژی در این کشورها شده‌اند عبارتند از:

- تدوین و تصویب قوانین حمایتی و رفع مقررات دست و پاگیر اداری

به عنوان مثال، در کره جنوبی تاکنون بیش از ۵ قانون در رابطه با علوم و تکنولوژی به تصویب رسیده است که از جمله، قانون پیشبرد خدمات مهندسی، قانون کمک به موسسات پژوهشی ویژه و قانون ملی احراز شرایط ارائه خدمات فنی را میتوان نام برد.

- حمایت‌های مالی و مالیاتی شامل: کاهش تعرفه‌های گمرکی، کاهش مالیات بر درآمدهای صنعتی، کاهش مالیات بر درآمدهای ناشی از حق‌لیسانس، کمک مالیاتی به تکنولوژی‌های پایه و بومی، کاهش مالیات شرکت‌های کوچک و متوسط

- انتقال تکنولوژی با شرایط زیر:

پشتیبانی از صنایع داخلی در زمینه تولید، افزایش بهره‌وری صنایع داخلی، قابلیت انطباق و جذب، قابل دسترس نبودن در داخل کشور، در راستای نیازهای اقتصادی و اجتماعی بودن

- ارائه تسهیلات پشتیبانی شامل:

خدمات اطلاع رسانی، خدمات مشاوره‌ای، خدمات کامپیوتری، تسهیلات آزمایشگاهی

- ارائه تسهیلات برای ایجاد ارتباط بین دانشگاه و صنعت و همکاری‌های بین‌المللی خصوصاً برای جذب سرمایه‌های خارجی

### ۴- راهبردهای حمایتی از تحقیقات بخش غیردولتی و خصوصی

۴-۱- پیش‌بینی در برنامه سوم توسعه الف- در ماده‌های ۱۰۰، ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برای بخش غیردولتی موارد زیر پیش‌بینی شده است [۳].

در ماده ۱۰۰ قانون سوم توسعه:

«ایجاد زمینه مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و حمایت کمی و کیفی از فعالیتهای پژوهشی و فناوری، بالاخص پژوهشها و فناوریهای کاربردی توسعه‌ای از طریق تاسیس صندوقهای غیردولتی پژوهشی»

در ماده ۱۰۱ قانون سوم توسعه:

«کمک و حمایت از گسترش کمی و کیفی فعالیتهای مراکز پژوهشی بخش غیردولتی طی سالهای اجرای برنامه، پیش‌بینی تسهیلات مالی و بیمه‌های حمایتی در قوانین و مقررات برای آنها و اجرای آنها»

در ماده ۱۰۲ قانون سوم توسعه:

افزایش سهم هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات از تولید ناخالص داخلی در طول برنامه پنج ساله سوم، بطور یکنواخت به نحوی که هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات از تولید ناخالص داخلی در پایان برنامه در بخش دولتی به یک درصد (۱٪) تولید ناخالص داخلی از اعتبارات عمومی دستگاههای اجرایی و در بخش غیردولتی به نیم درصد تولید ناخالص داخلی از منابع بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی و بانکها برسد.

### ۴-۲- در آئین کار و میثاق مشترک [۴]:

در این آئین راهبردهای زیر پیش‌بینی شده است:

- کارآمد کردن دولت، تقویت بخش خصوصی

- کاهش مداخله دولت و حذف تصدی‌گری و تقویت مشارکت بخش غیردولتی

### ۴-۳- راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه:

در راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه شده است، راهکارهای متعددی پیش‌بینی شده است که در اینجا برای

اختصار به یکی از این موارد اشاره شده و راجع به نحوه استفاده مطلوب از این راهکار به رادحلهای عملی و غیرتئوریک نیز پرداخته شده است [۵]:

### بخش دولتی باید سفارش دهنده تحقیقات به بخش خصوصی باشد تا

### از تصدی‌گری دولت در این بخش مقداری کاسته شود و امکان رشد و توسعه تحقیقات در بخش غیردولتی فراهم شود.

بند ۱۹ راهکار فوق:

«زمینه‌های گسترش کمی و کیفی فعالیت مراکز پژوهشی بخش غیردولتی در ارتباط با انجام پژوهشهای موردنیاز بخش دولتی با هدف کاهش حضور دولت در این بخش فراهم می‌شود»

با کمی دقت در راهکار فوق می‌توان دریافت که بخش دولتی باید سفارش دهنده تحقیقات به بخش خصوصی باشد تا از تصدی‌گری دولت در این بخش مقداری کاسته شود و امکان رشد و توسعه تحقیقات در بخش غیردولتی فراهم شود. بنابراین در همین جا می‌توان توجیه نمود که مثلاً:

● در نحوه استفاده از تبصره الف ماده ۱۰۲ برنامه سوم توسعه تمهیدات بیشتری برای استفاده بخش خصوصی از این امکانات فراهم شود.

● هزینه‌های تحقیقاتی دستگاههای اجرایی به صورت گسترده‌تر با مشارکت بخش خصوصی و غیردولتی انجام شود.

مثلاً در قالب تشکیل صندوقهای مشترک فعالیت دستگاه اجرایی با بخش غیردولتی که اگر لازم باشد در جایگاه آن مورد بحث بیشتری قرار خواهد گرفت.

● در استفاده از سایر امکانات موجود در بخش پژوهشی و تحقیقات مانند دودر هزار از درآمدهای ناشی از فروش محصولات صنعتی و معدنی مساعدت بیشتری برای بخش غیردولتی فراهم شود.

### ۵- هنجارسازی پژوهشی در بخش غیردولتی و خصوصی:

گزینه‌یابی، تعیین استراتژی، عمق بخشی، بسترسازی و عزم ملی برای اجراء جزء عواملی هستند که در جهت هنجارسازی تحقیقات بخش خصوصی باید انجام شود.



داده شود. نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که ضمن اهمیت دادن به مسئله پژوهش باید زمینه رشد و ایجاد رقابت را در تحقیقات نیز بوجود آورد. یکی از راههای ایجاد این رقابت، تقویت رشد و ساماندهی تحقیقات در بخش خصوصی و غیردولتی می‌باشد. برای تحقق این موضوع و ایجاد انگیزه‌های بیشتر مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

**الف - زمینه‌سازی امکان استفاده از اعتبارات تحقیقاتی بخش دولتی در بخش خصوصی و غیردولتی به عنوان مثال دولت می‌تواند خود سفارش دهنده تحقیقات به بخش خصوصی باشد.**

**ب - امکان پذیرش سرباز محقق در بخش خصوصی**

**ج - معرفی مرکز تحقیقات نمونه بخش خصوصی در هفته پژوهش یا مناسبت‌های پژوهشی دیگر**

**د - ایجاد نمایشگاه دائمی مراکز تحقیقاتی بخش خصوصی**

**ه - ایجاد تشکلهای صنعتی از جمله اتحادیه و انجمن مراکز تحقیقاتی بخش خصوصی**

هر یک از اقدامات فوق نیاز به تنظیم تفاهم نامه با سایر سازمانها و دستگاههای اجرایی دیگر دارد و در برخی از موارد نیاز به تدوین و تصویب آئین‌نامه و دستورالعملهای خاصی می‌باشد، که در همه موارد فوق، ضمن اینکه حوزه معاونت پژوهشی وزارت متبوع (دفتر امور پژوهشی و برنامه‌ریزی) آمادگی کامل دارد تا مساعدت لازم را بنماید. به طور کلی ساماندهی پژوهش در بخش غیردولتی و خصوصی نیز جزء سیاستهای معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز قرار گرفته است. □

## فهرست منابع:

- ۱- گزارش واحدهای پژوهشی - دفتر امور پژوهشی و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰
- ۲- محمدنقی مهدوی - سیاستهای علوم و تکنولوژی در ۱۹ کشور صنعتی جهان - سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، ۱۳۷۸
- ۳- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سال ۱۳۷۹
- ۴- آئین کار و میثاق مشترک وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سال ۱۳۸۰
- ۵- راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سال ۱۳۷۹
- ۶- برنامه‌ها و اهداف جامعه مراکز تحقیق و توسعه صنایع و معادن، سال ۱۳۸۰

گزینه‌یابی انجام شده، عمق و دقت لازم داده شود تا تضمین‌های کافی برای اجرای دقیق آن فراهم آید. ثانیاً و شاید مهمتر از موارد قبلی این باشد که باید زمینه مناسب چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ شرایط زمانی، تبلیغاتی، اداری و مالی هم فراهم شود تا موضوع انتخاب شده بتواند در مسیر مناسب خود پرورش و تکامل یابد.

## د - عزم ملی و عزم سازمانی برای اجرا

این موضوع به قدری مهم و واضح است که به نظر نگارنده، به صورت خیلی مختصر و مفید در یک جمله اینکه تا عزم ملی یا سازمانی برای اجرای هر موضوعی مانند موضوع مورد بحث این مقاله موجود نباشد، امکان تحقق آن غیرممکن خواهد بود.

بنابراین باید برنامه‌ریزی لازم برای جلب توجه مسئولین ذیربط و بوجود آمدن این اراده و عزم انجام شود.

## زمینه‌سازی امکان استفاده از اعتبارات تحقیقاتی بخش دولتی در بخش خصوصی و غیردولتی به عنوان مثال دولت می‌تواند خود سفارش دهنده تحقیقات به بخش خصوصی باشد.

۶- ایجاد انگیزه‌های مادی و انتفاعی برای مراکز تحقیقاتی بخش خصوصی و غیردولتی

بخش خصوصی در ازای سرمایه‌گذاری خود، انتظار حداقل سود منطقی و عادلانه را دارد. درآمدهای کاذب حاصل از برخی از فعالیتهای بخش خصوصی، یکی از موانع گرایش این بخش به فعالیتهای تحقیقاتی است.

برای جلوگیری از این موضوع و علاقمند نمودن بخش خصوصی به تحقیقات، باید امتیازات جبرانی در نظر گرفت، که به عنوان مثال به بعضی از آنها بشرح زیر اشاره میشود:

**الف - معافیت از عوارض شهرداری برای ساخت فضای فیزیکی مراکز تحقیقاتی در بخش خصوصی**

**ب - معافیت از سود گمرکی برای مواد و تجهیزات پژوهشی وارداتی برای مراکز تحقیقاتی در بخش خصوصی**

**ج - استفاده از امکانات مناطق آزاد تجاری**

**۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

به موضوع پژوهش باید اهمیت بیشتری

در این مقاله علاوه بر نظریه‌پردازی نسبت به ارائه راه حل به صورت عملی نیز پیشنهادهایی داده شده است و سعی شده این پیشنهادات به صورت معقول و منطقی باشد و امکان تحقق آن آسانتر باشد. اکنون به اختصار به هر یک از موارد فوق پرداخته می‌شود:

**الف - گزینه‌یابی (Selection):** اصلاح و ساماندهی پژوهش در کوتاهمدت و میان مدت در همه ابعاد خیلی مشکل و شاید غیرممکن باشد.

زیرا گستردگی این مشکلات در حوزه‌های مختلفی است که تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در مورد اصلاح همه آنها غیرممکن است. بنابراین در اینجا برای ساماندهی این موضوع، بخش خصوصی و غیردولتی انتخاب شده است. شایان ذکر است که به نظر نویسنده، باز هم برای خود این گزینه نیز باید گزینه‌یابی شود. مثلاً در این بخش شاید اولویت با ساماندهی تحقیقات در بخشهایی باشد که از اولویت تحقیقاتی در کل کشور برخوردار است، یعنی مثلاً اگر تحقیقات درآمدزا برای بخش خصوصی در اولویت قرار گرفته است، گزینه‌یابی بعدی عبارت خواهد بود از:

**ساماندهی تحقیقات درآمدزا در بخش خصوصی و غیردولتی**

باز هم اجازه بدهید تا علاوه بر نظریه‌پردازی، علمی و اجرایی فکر شود، بدین معنی که اولاً در بین تحقیقات درآمدزا هم، یک یا چند عنوان باید مشخص شود و ثانیاً یک یا چند مرکز تحقیقاتی بخش خصوصی را که دارای شرایط بهتری است برای این موضوع باید انتخاب شود.

## ب - تعیین استراتژی (Strategy Define)

بعد از گزینه‌یابی، تعیین استراتژی از مهمترین ارکان برنامه‌ریزی است. اگر چه موضوع مورد بحث این مقاله، خود یکی از استراتژی‌های حوزه معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، ولی باز هم باید برای این راهبرد نیز، راهبرد یا راهبردهایی تعریف شود.

به عنوان مثال «تعیین اولویتهای تحقیقاتی در بخش غیردولتی و خصوصی» می‌تواند به عنوان یک راهبرد تعریف شود.

## ج - عمق بخشی و زمینه‌سازی

تعیین استراتژی شرط لازم و کافی برای تحقق امر ساماندهی پژوهش در بخش خصوصی نیست، بلکه فقط شرط لازم برای آن است. شرط لازم و کافی برای تحقق این موضوع این است که پس از تعیین استراتژی باید اولاً به هر یک از استراتژیهای تعیین شده بر مبنای